

## رَبْعَةُ قِراختایی

رَبْعَةُ قِراختایی<sup>۲</sup> نسخه‌ای سی‌جلدی از قرآن کریم است که بی‌بی ترکان از شاه‌زادگان سلسله قراختاییان کرمان (۶۱۹-۷۰۵ ق) وقف مقبره پدرش قطب‌الدین ابی الفتح و مادرش عصمت‌الدین قتلغ ترکان کرده است، که هر دو از پادشاهان سلسله قراختایی کرمان بوده‌اند. تاریخ وقف قرآن سال ۶۸۷ ق است؛ اما نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. سی‌جلد کامل این نسخه را در سال ۱۲۴۵ ق میرزا علی‌رضا تفرشی<sup>۳</sup> مرمت کرد. نسخه در آن زمان متعلق به آستانه شاه نعمت‌الله ولی بوده است. خبر دیگری که از این نسخه داریم، مربوط به سال ۱۳۲۰ ش است. در این سال، هجده جلد از مجلدات قرآن در آستانه باقی بوده و سرنوشت باقی مجلدات، به جز یک جلد که ظاهراً به رضاشاه هدیه شده، همچنان مبهم است. هم‌اکنون هجده جلد باقی‌مانده متعلق به آستانه شاه نعمت‌الله ولی است و در موزه آستانه در ماهان کرمان نگهداری می‌شود. در ادامه، ضمن آشنایی مختصر با سلسله قراختاییان، به معرفی کامل نسخه از جهات تاریخی و هنری می‌پردازیم.

### ۱. قراختاییان کرمان

سلسله قراختاییان کرمان اندکی کمتر از یک قرن بر کرمان حکومت کردند. اولین پادشاه از این سلسله سلطان نصرت‌الدین ابوالفوارس قتلغ سلطان براق حاجب است که در زمان سلطان محمد خوارزم‌شاه از سرلشکران سپاه گورخان قراختایی بود.

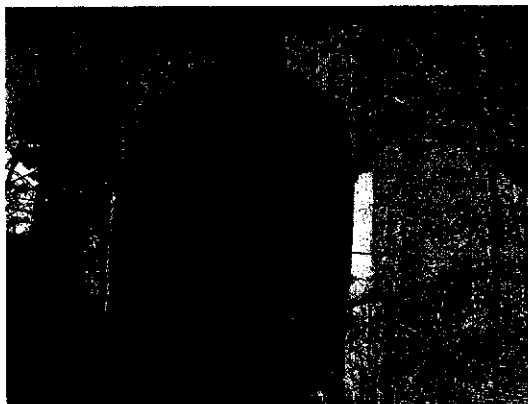
خوارزم‌شاهیان از زمان تکش به گورخان قراختایی در ماوراءالنهر باج و خراج می‌پرداختند. ظلم گورخان و رفتار فرستادگان او سلطان محمد خوارزم‌شاه را به فکر لشکرکشی به ماوراءالنهر انداخت. شاید در پی همان فکر، فرستاده گورخان را گردن زد (۶۰۶ ق) و در دو جنگ در سال (۶۰۷ ق) — که نتیجه آن اسارت تاینگو از سران قراختایی بود — و در سال (۶۱۱ ق)، قراختاییان ماوراءالنهر را از بین برد.<sup>۴</sup> در پی همین حوادث، براق حاجب، از بزرگان قراختایی، به دربار سلطان غیاث‌الدین خوارزم‌شاه راه یافت. او از طرف سلطان برای یاری به جلال‌الدین خوارزم‌شاه، که در آن زمان در هند بود، مأمور هند شد؛ اما در سر راه خود پس از درگیری‌ای با حاکم کرمان، که ظاهراً راه را به قصد تاراج بر او بسته بود

رَبْعَةُ قِراختایی نسخه‌ای از قرآن مجید است که در سال ۶۸۷ ق، بی‌بی ترکان، از شاه‌زادگان سلسله قراختاییان کرمان، بر مرقد والدینش وقف کرده است. این قرآن در سی‌جلد به ابعاد  $۳۲/۵ \times ۳۹$  سانتی‌متر و به خط محقق جلی کتابت شده است. سر سوره‌ها مذهب است و علایم قرآنی بسیار زیباست. خط آن، با توجه به هم‌زمانی با یاقوت مستعصمی و دوره اوج قرآن‌نویسی به خط محقق و تکامل این نوع خط بسیار مهم است؛ و شیوه خط از نظر شکل نقطه‌ها و شاکله حروف شباهت به شیوه این بواب دارد.

نسخه به دلیل آسیب‌هایی که در طول زمان به آن وارد شده، در سال ۱۲۴۵ ق به همت میرزا علی‌رضا تفرشی مرمت شده است. در این مرمت، صحافی تجدید و بسیاری از نواقص متن با خطی بسیار ضعیف‌تر از خط نسخه اصلی تکمیل شده است. صفحه‌های الحاقی فاقد تزیینات است.

هجده جلد از مجلدات این مصحف هم‌اکنون در گنجینه موزه آستانه شاه نعمت‌الله ولی ماهان موجود است، و برخی دیگر از مجلدات آن در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی ردگیری شده و تعدادی هنوز مفقود است.

ت۱. قبة سبز واقع در محله خواجه خضر کرمان.



سلطان خواجه جوق<sup>۱</sup> از سال ۶۲۳ تا سال ۶۵۰ ق بر کرمان حکم راند. سلطنت او همراه بود با دستگیری از رعایا، همراهی و همدلی با درویشان و عالمان و زاهدان و اهل علم؛ و این روش او خاطره تلخ سلطنت براق حاجب را در نزد اهالی کرمان تا حدودی التیام بخشید. سرانجام نزدیکی او با خلفای عباسی و تیرگی روابط مغولان با خلفا قتل او را در پی داشت و منجر به نوبت دوم سلطنت قطب‌الدین شد که کاملاً مطیع مغول بود. هرچند این دوره از حکومت او در کرمان با مشکلاتی همراه بود و اهالی کرمان شیوخ و متصوفه در مقابل او بودند، قطب‌الدین ضمن سرکوب مخالفان «انجام امور خیریه و بنیاد موقوفات را وجهه همت خود ساخت»<sup>۱۱</sup>.

سلطنت قطب‌الدین در این دوره تا سال ۶۵۵ ق طول کشید. با مرگ قطب‌الدین و به دلیل صغر سن فرزندانش، هلاکوخان ترکان‌خاتون<sup>۱۲</sup> همسر او را به جانشینی‌اش گماشت. به گواهی تاریخ شاهی، دوران سلطنت ترکان‌خاتون با خدمات فراوان به مردم کرمان همراه بود؛ از جمله تکمیل بنای مدرسه قطبیه، که بنای اصلی آن به عنوان مدرسه از زمان براق حاجب آغاز و در زمان ترکان‌خاتون تکمیل شد<sup>۱۳</sup> و هم‌اکنون در کرمان به قبة سبز معروف است (ت۱)، که شرحی جداگانه می‌طلبد. در هر حال، «عصمت‌الدینا و الدین قتلغ ترکان ملکه‌ای بود مبارک‌سایه، بلندپایه، [...] واسطه عقد و بهار ایام پادشاهی پادشاهان قراختای بود»<sup>۱۴</sup> و تا سال ۶۸۱ ق به نیابت از «مظفرالدینا و الدین ابوالحارث شاه سلطان حاج» حکومت کرد. پس از او به نوبت «سلطان جلال‌الدینا و الدین ابوالمظفر سیورغتمش سلطان بن قطب‌الدین سلطان» (۶۸۱ - ۶۹۱ ق) و «صفوة‌الدینا و الدین پادشاه خاتون» (۶۹۱ ق)، دختر ترکان‌خاتون، به پادشاهی رسیدند. پادشاه خاتون تا سال ۶۹۴ ق حکومت کرد و سپس «مظفرالدینا و الدین ابوالحارث محمدشاه» به حکومت رسید.

محمدشاه در سنه ۷۰۲ ق درگذشت<sup>۱۵</sup> «و چون این خبر به بندگی حضرت غازان‌خان رسید، قطب‌الدینا و الدین شاه جهان را که آنجا ملازم بود، ابا عن جد سلطان‌زاده کرمان برلیغ به تقریر سلطنت کرمان بر وی نفاذ پذیرفت»<sup>۱۶</sup> اما سلطنت وی به علت اوضاع آشفته و همچنین جوانی چندان دوام نیافت و او «به تقویم امور

شکست داد و در کرمان ماند و سلسله قراختاییان (۶۱۹ ق) را بنیاد گذاشت.

براق حاجب راه مماشات با خوارزمشاهیان و مغولان راه، که در این زمان در پی خبط سلطان خوارزم‌شاهی به ایران هجوم آورده بودند، در پیش گرفت (۶۲۵ تا ۶۳۲ ق)، تا جایی که از اگتای قاآن، فرمانده لشکر مغول، به پاس قتل سلطان غیاث‌الدین خوارزم‌شاه لقب «قتلغ‌خان» گرفت و سلطنت خود را در دوران پرآشوب اوایل قرن هفتم در کرمان تثبیت کرد. ترکان‌خاتون معروف، همسر براق حاجب، از کنیزان سلطان غیاث‌الدین بود. براق حاجب در سال ۶۳۲ ق درگذشت و بعد از او «السلطان قطب‌الدینا و الدین ابوالفتح محمد بن خمیتبور تاینگو برهان امیرالمؤمنین»<sup>۱۷</sup> برادرزاده براق حاجب، به حکومت کرمان رسید. «براق حاجب قطب‌الدین راه، به حکم آنکه او را جوانی مستعد مردانه و هنرمندی مقبل فرزانه می دانست و نیز ریب و دامادش بود، به وقت وفات ولی‌عهد گردانیده، ودیعت ملک به او سپرد و در ذی‌الحجه سنه اثنین و ثلاثین و ستمائه (۶۳۲ ق) بی مانعی و منازعی و سادة سلطنت را به وجود خود منور فرمود»<sup>۱۸</sup>. قطب‌الدین «بعد از چهارماه قتلغ ترکان (ترکان‌خاتون، همسر براق حاجب) را استنکاح فرمود»<sup>۱۹</sup>. اما سلطنت او یک سال بیشتر طول نکشید و «دور فلک کج‌رو نگذاشت که ملکش نوبت اول پایداری بودی [...] و بر مثال شکوفه بود که حالی سر برزند، پیر گردد»<sup>۲۰</sup>. قطب‌الدین به فرمان خان مغول احضار شد و تا سال ۶۵۰ ق را در ماوراءالنهر گذراند و حکم حکومت به فرمان اگتای قاآن به نام رکن‌الدین پسر براق حاجب صادر شد. «سلطان رکن‌الدینا و الدین ابوالمظفر قتلغ

ملک بر وجه حزم و تفکر قیام نتوانست نمود» و تاریخ نام او را به عنوان آخرین پادشاه قراختایی ثبت کرد (۷۰۵ ق.م). در هر صورت، این سلسله در طول بیش از هشتصد سال آثار فراوانی از خود در کرمان بر جای گذاشته که از جمله مهم ترین آنها قرآن مورد بحث مقاله است که وقف مقبره دو تن از پادشاهان این سلسله شده است.

۲. ماجرای وقف قرآن

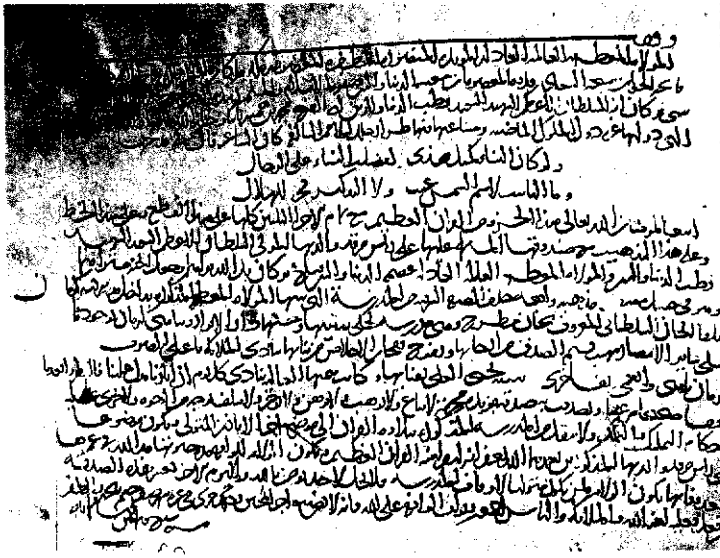
دروقت نامه ای که در جلد هفتم از قرآن بی بی ترکان مضبوط است (ت ۲)، قرآن را بی بی ترکان، دختر بزرگ ترکان خاتون و قطب الدین، وقف مقبره والدین خود کرد: «وقف نمود آن را بانوی سرور معظم و عالم عادل منصور و مظفر، ملکه ملکه های عالم، زبیده عصر، خدیجه زمان، الغ اعظم بی بی ترکان» و در ادامه وقف نامه آمده است که «وقف نمود آن را برای رضایت خدا، وقف نمود این جزء قرآن عظیم را با تمام اجزای سی گانه آن با همین قطع و اندازه و با این خط و با این گونه تذهیب به همراه صندوق آن برای بالای سر این مرقد و این در اول ماه صفر انجام شد و در سال ۶۸۷ هجری.»  
متن وقف نامه را علامه محمد قزوینی خوانده و تقریر کرده است.<sup>۱۶</sup>

۱-۲. صورت وقف نامه

«وقفت المولاة المعظمة العالمة العادلة المؤيدة المنصورة المظفرة المعصومه، ملكة ملكات العالم، مالكة رقاب الامم، ناشرة المبررات، فاتحة الخيرات، نتيجة السعادات، قدة المعصومات، مغيثة الدنيا والدين، صفوة الاسلام والمسلمين، زبيدة العصر، خديجة الزمان، الغ اعظم بيبي ترکان، ابنة السلطان الاعظم الشهيد السعيد، قطب الدنيا والدين ابي الفتح محمد بن خمير تايكنو، خلدالله ملكها و انار برهان والديها، التي دولتها غرة دول الملوك الماضيه و مناعتها فيها طراز جلال الامم السالفه، كأن الشاعر قال في مدحها:

ولو كان النساء كمثل هدى  
لفضلت النساء على الرجال  
وما التأنيث لاسم الشمس عيب  
ولا التذكير فخر لللهلال

ابتغاء لمرضاة الله تعالى، هذا الجزء من قرآن العظيم مع تمام الاجزاء الثلثين كلها على هذا القطع و على هذا الخط و

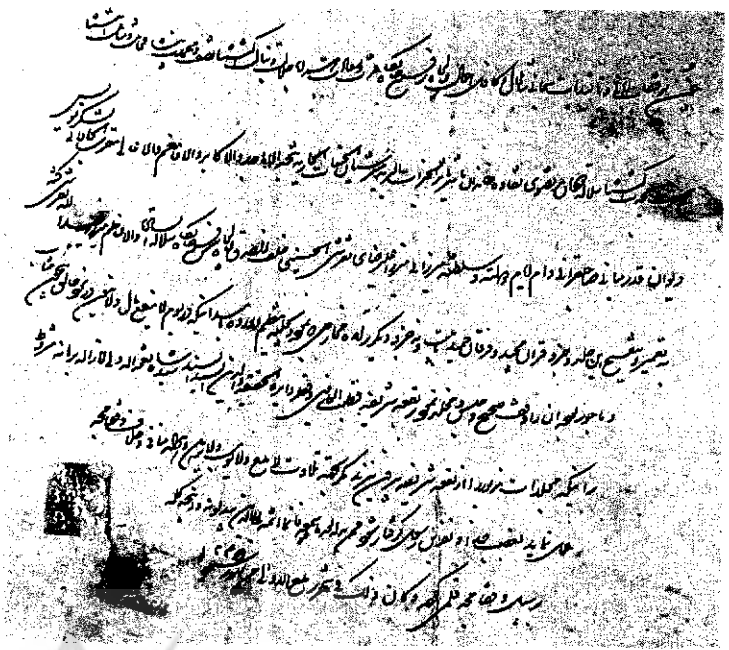
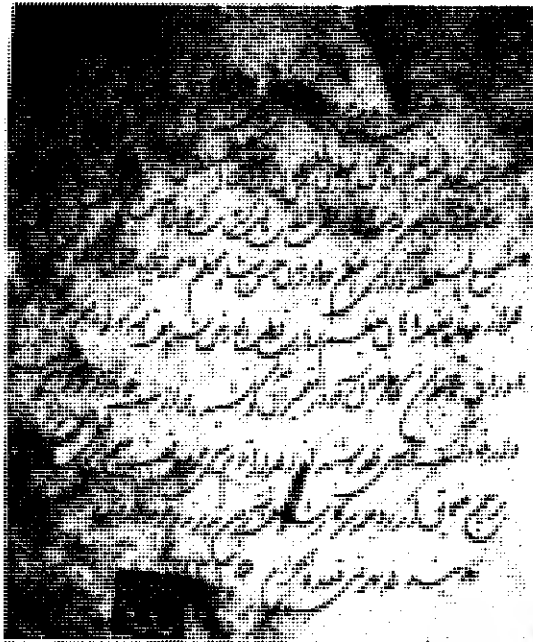


ت ۲. برگه از ریمه قراختایی

على هذا التذهيب مع صندوقها المشتملة عليها على رأس مرقد والديها المولى السلطان الاعظم السعيد الشهيد قطب الدنيا والدين، و المولاة المعظمة العالمة العادلة، عصمة الدنيا والدين قتلغ ترکان، بل الله تراهما و جعل الجنة متواهما، و هو في جنيد معروفة مذهبة واقعة خلف الصفة الشرقية من المدرسة التي بنتها المولاة المعظمة المذكورة بداخل مدينة بردسير کرمان لتقاء الخان السلطاني المعروف بخان مطرح، و هي مدرسة تحكى بيئتها و حسنها دارالابرار و تباهى کرمان بوجودها على سائر الامصار، يهب نسيم الصدق من ارجائها و تفوح نفحات الاخلاص من بنائها تنادى الملائكة بأعلى الصوت:

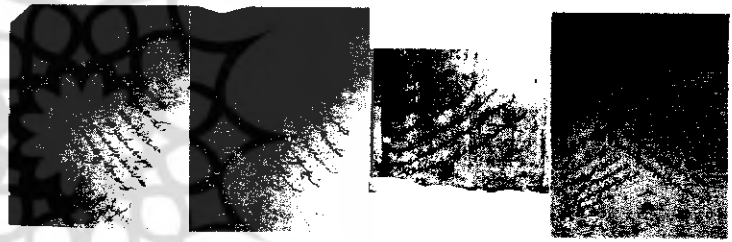
کرمان باهى وانعمى تقاخرى  
ببنيه يحمي العلى بقنائها  
و كانت همتها العالية تنادى كل يوم  
ان آثارنا تسدل علينا  
فانظروا بعدنا الى الآثار

وفقاً صحيحاً شريعياً و تصدقت به صدقة مؤيدة محرمه لايباع و لا يوهب و لا يرهن و لا يؤجر و لا يتلف بوجه من الوجوه و لا يجرى عليه احكام التملك و التملك و لا يتقل من المدرسة المذكوره بتلاوة القرآن الى موضع آخر الا بأذن المتولى و يكون موضوعاً على رأس مرقد والديها المذكورين، تتعمدهما الله بقرانه، ليقراً منه القران العظيم. و تكون الولاية للواقفة مدة حيوتها، مدالله في عمرها، و بعد وفاتها تكون الولاية لمن يكون متولياً للاوقاف المدرسة. فلا يحل لاحد يؤمن بالله و اليوم الآخر تغيير هذه الصدقة.



اگر زنان مانند این زن بودند  
 حتماً زنان بر مردان ترجیح داده می‌شدند  
 مؤث بودن عیبی برای خورشید نیست  
 و مذکر بودن فخری برای ماه نیست

وقف نمود برای رضایت خدا این جزء قرآن عظیم را با تمام اجزای سی گانه آن با همین قطع و اندازه و با این خط و با این گونه تذهیب به همراه صندوق آن برای بالای سر این مرقد، یعنی مرقد والدین خودش، مولانا و سلطان اعظم سعید شهید، قطب دنیا و دین، و مادرش سرور معظمه، عالمه و عاقله، مظهر پاکی دنیا و دین قتلغ ترکان، که خداوند خاک آن دو را سیراب گرداند و بهشت را پناه آن دو قرار دهد. و آن در گنبد معروف قرار دارد و طلاکاری شده است و در پشت کرانه صفة شرقی مدرسه‌ای قرار دارد که این بانو آن را بنا کرده است و در داخل شهر بردسیر کرمان مقابل خان سلطانی معروف به خان مطرح. و آن مدرسه‌ای است که نوع بنایش و حسن ساختمانش حکایت از خانه نیکان دارد و کرمان به وجود آن بر دیگر شهرها فخر می‌فروشد، نسیم راستی از اطراف آن می‌وزد و بوهای خوش خلوص و پاکی از آن منتشر می‌شود و فرشتگان با صدای بلند ندا می‌دهند:  
 ای کرمان، مباهات کن و خوش باش و افتخار کن  
 به بنایی که فقط با بودن آن بزرگی ما زنده می‌شوند  
 و همت بلند و عالی آن هر روز ندا می‌دهد که



۳. ت (چپ بالا)  
 ۴. ت (راست بالا)  
 ۵. ت (پایین)

فمن فعله، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين. و ثواب الواقعة على الله فانه لا يضيع اجر المحسنين و ذلك جرى في غرة شهر صفر ختم بالخير و الظفر سنة سبع و ثمانين و ستمائه» (ت ۲).

۲-۲. ترجمه وقف نامه<sup>۱۷</sup>  
 وقف کرده آن را بانوی سرور معظم و عالم و عادل منصور و مظفر، ملکه ملکه‌های عالم، مالک بندگان عالم، منتشرکننده نیکیها، بخشنده خوبیها، نتیجه خوش بختیها، الگوی پاکان، یاریگر دنیا و دین، برگزیده اسلام و مسلمین، زبیده عصر، خدیجه زمان، الغ اعظم بی بی ترکان دختر سلطان اعظم، شهید سعید، قطب دنیا و دین ابوالفتح محمد بن خمیر تاینگو، که خداوند ملک او را جاویدان کند، و حجت پدر و مادرش را در روز قیامت روشن و نورانی نماید؛ بانویی که دولت او چون سپیدی بر پیشانی دولتهای شاهان گذشته است و زیور امتهای گذشته است؛ همان طور که شاعر در مدح او گفته است:



همانا آثار ما دلالت بر ما دارد. پس بعد از ما به آثار  
بنگرید

وقفی درست و شرعی و ابدی که نه فروخته می‌شود و نه بخشیده می‌شود و به رهن داده نمی‌شود و به اجاره هم داده نمی‌شود و به هیچ وجهی تباه نمی‌شود و احکام تملیک و تملک هم بر آن جاری نیست و از مدرسه مذکور به منظور تلاوت به جای دیگر منتقل نمی‌گردد، مگر با اجازه متولی. و بر سر قبر والدین او قرار خواهد داشت که خدای‌شان غرق رحمت سازد. و از محل همین مقبره است که قرآن باید خوانده شود. و تولیت آن تا زمان حیات به واقف تعلق دارد، که خدا عمرش را زیاد کند، و بعد از وفات وی، تولیت آن متعلق به کسی است که تولیت اوقاف مدرسه را دارد. و برای هرکس که اعتقاد به خدا و پیامبر دارد، تغییر این صدقه روا نیست و هرکس چنین کند، پس لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و پاداش واقف بر خداوند باد؛ چون که خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. و این در اول ماه صفر انجام شد و در سال ۶۸۷.»

خبر دیگر از نسخه مورد بررسی مربوط به سال ۱۲۴۵ق. در دوره فتح‌علی‌شاه قاجار است. ظاهراً مجلدات قرآن را که در طول زمان آسیب دیده بود، در سال ۱۲۴۵ق میرزا علی‌رضا تفرشی مرمت کرده است. در این زمان، به استناد نوشته ایشان سی جلد قرآن کامل بوده و به آستانه شاه نعمت‌الله ولی تعلق داشته است (ت ۳).

«اقل السادات علی‌رضا ابن عبدالله الحسینی تفرشی در سنة ۱۲۴۴ حسب الامر قبلة عالم و عالمیان، السلطان بن السلطان فتح‌علی‌شاه قاجار، صاحب قرآن در خدمت سرکار نواب مستطاب مالک رقاب گردون اشرف ارفع والا، شجاع السلطنه دارای اعظم، بهادرخان حسن شاه



ت ۶ (راست)  
ت ۷ (چپ)

معظم مأمور به دارالامان کرمان بودم. بعد از مدتی، به قصبة ماهان به عزم زیارت قطب‌العارفین شاه نعمت‌الله ولی رفتم. چند جلد قرآن اوراق ملاحظه شد. به خاطر چنان رسید که در تعمیر آن کوشیده و ارباب تلاوت را شوقی به هم رسد و از تلاوت فیض برده باشند. لهذا بعد از اتمام سی جزو وقف صحیح شرعی نمودم بر جمیع خلائق، از روضه سرکار شاه نعمت‌الله برون نبرند و خرید و فروش ننمایند. فی شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۴۵ مهر: (ابن عبدالله، علی‌رضا الحسینی)»

اینکه این مجلدات چگونه و چه زمانی به آستانه راه پیدا کرده روشن نیست.

میرزا علی‌رضا تفرشی در وقف‌نامه‌ای که در همه مجلدات قرآن تکرار شده و احتمالاً به خط و انشای دیگری تحریر شده است، مخارج مرمت و همچنین تکمیل مجلدات ناقص را وقف آستانه می‌کند (ت ۴):



ت ۸. (راست)

ت ۹. (چپ)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بوده. آن را وقف صحیح و حبس و مخلد نمود بر بقعه شریفه قطب العارفين و قطر دایرة الحقیقه و الدین، السید السند، سید شاه نعمت الله، انارالله برهانه؛ مشروط بر اینکه مجلّدات مزبور را از بقعه شریفه بیرون نبرند، مگر به جهت تلاوت. لایبیع ولا یوهب و لایرهن. و هر که منافی و خلاف وقف نامچه عمل نماید، به غضب خدا و نفرین رسول گرفتار شود "فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونہ." این کلمات بر سبیل وقف نامچه قلمی گردید. و کان ذلک فی شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۴۵.

«آن را احاله به صحیح مخلد شرعی و حبس مؤبد و صریح اسلامی نمودند بر بقعه شریفه قطب العارفين و قطب دایره الحقیقه و الدین السید السند شاه نعمت الله انار الله برهانه.»

متن وقف نامه میرزا علی رضا تفرشی در همه مجلّدات با اندکی تفاوت تکرار شده است (ت ۵).

### ۳. آشنایی با نسخه

رَبْعَةٌ قَرَاخْتَايِ بِرِ رُوی کاغذی مرغوب و چندلایه به رنگ روشن، احتمالاً سمرقندی، نوشته شده است. ابعاد کاغذ ۳۲/۵ × ۳۹ سانتی متر است که در بعضی از مجلّدات اندکی متغیر (حداکثر ۴۲ و حداقل ۳۸ سانتی متر) است؛ به صورتی که جزوهای دوم و پنجم هر يك به ابعاد ۳۲/۵ × ۴۳ سانتی متر و قطع کاغذ ۴۲ × ۳۳ سانتی متر و جزوهای اول، سوم، چهارم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، بیستم همراه با قسمتی از جزء بیست و یکم، بیست و دوم، بیست و سوم، و بیست و ششم هر يك به ابعاد ۲ × ۳۲ × ۳۸/۵ سانتی متر و قطع کاغذ ۳۱ × ۳۸ سانتی متر است. متن قرآن به خط محقق جلی است (ت ۶). سرسوره‌ها به خط کوفی محرز و بعضی از نکات آماری، مانند توضیحاتی درباره تعداد کلمه و حروف هر سوره، در حاشیه متن به خط توقیع

### ۲-۳- متن وقف نامه میرزا علی رضا تفرشی

«چون توقیقات ربانی و تأییدات سبحانی شامل حال و کافل احوال عالی جاه رفیع جایگاه، عزّت و سعادت همراه جلالت و بنالت اکتناه، نصفت و محمدت پناه، فخامت و مناعت انتباه، مجددت و نجدت اکتناه، سلاله دودمان مرتضوی، نقاوة خاندان مصطفوی، ناشر مآثر الخیرات البریه، سید مشتاق الحسینات الجاریة، نتیجة الاماجد والا کابر و الاعاظم الافاخم و الاعالی، مقرب الحاقانی، لشکر نويس دیوان قدر مبانی صاحب قرانی، دام ایام دولة سلطنة میرزایی، میرزا علی رضا تفرشی الحسینی، خلف الصدق عالی جاه رفیع جایگاه سلاله السادات و الاعاظم، میرزا عبدالله تفرشی، گشته به تعمیر و تنقیح این جلد و جزو قرآن مجید و فرقان حمید با بیست و نه مجلد دیگر برآمده، مخارجی که نموده و به حلیة تنظیم آورده به امید اینکه در "یوم لاینفع مال و لاینون" در نزد خالق بی چون مثاب و مأجور



ت ۱۰

نوشته شده است. تعداد سطرها در بیشتر صفحات ۳ سطر جلی است که به طور متوسط در هر صفحه ۱۰ تا ۱۵ کلمه اصلی را در بر می‌گیرد؛ اما در بعضی از صفحات که همراه با تزئین و جدول‌کشی است، تعداد سطرها به دو سطر کاهش می‌یابد (ت ۷).

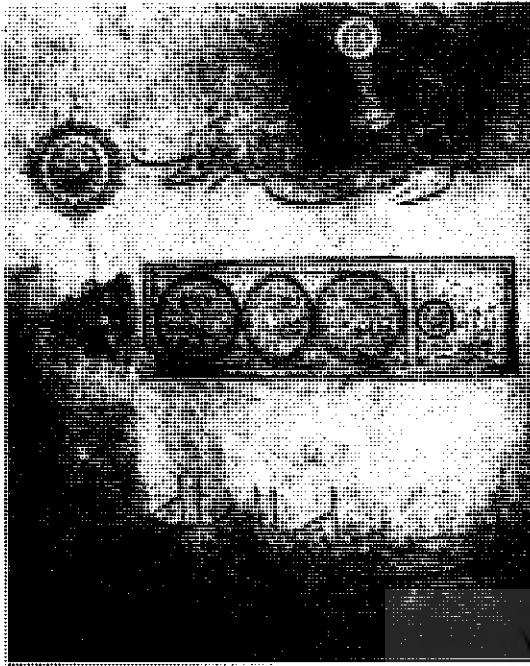
### ۱-۳. درباره خط نسخه

چنان که آمد، خط متن محقق است. محقق از خطوطی است که تقریباً از قرن ششم تا دهم هجری برای نوشتن قرآنهای بزرگ کاربرد فراوان داشته است. خطی است با صلابت و شکوه. مختصات حروف در این خط در نسبت با دیگر اقلام سته<sup>۱۸</sup> بزرگ‌ترین اندازه‌ها را دارد و تنوع اشکال حروف به حداقل می‌رسد، تا جایی که تقریباً اکثر حروف شکل واحد دارند.<sup>۱۹</sup> این ویژگی خود کمک می‌کند به خواندن آسان متن. شاید به علت مجموع این ویژگیها باشد که نام با مستمای محقق، یعنی درست، کامل و تحقیق شده، را بر آن نهاده‌اند.

«اولین قرآن با خط محقق به سال ۵۵۵ ق در ایران کتابت شد»<sup>۲۰</sup> و بزرگ‌ترین قرآن هم به خط محقق جلی در قرن نهم هجری (قرآن بایسنقری) در اندازه ۱۷۷×۱۰۱ سانتی‌متر کتابت شده است.<sup>۲۱</sup> زیباترین قرآن‌ها به خط محقق مربوط به اواخر قرن هفتم و قرن هشتم است. قرن هفتم هجری مقارن است با حیات یاقوت مستعصمی، از

بزرگ‌ترین خوشنویسان تاریخ. او در تکمیل اقلام سته نقش اساسی داشت. از زمان او و شاگردانش، خط محقق با نظام هندسی و استحکام توأم با ملاحظت خاصی نوشته شد. احمد بن سهروردی و ارغون کاملی از همعصران او، صاحب زیباترین آثار قرآنی به خط محقق‌اند. یاقوت مستعصمی در سال وقف قرآن (۶۸۷ ق) حیات داشته است؛ اما خط این نسخه متأثر از شیوه او نیست و احتمالاً پیش از آن نوشته شده است؛ یا کاتب از حوزه نفوذ شیوه او خارج بوده است. خط متن در بعضی از مجلدات بسیار بالاستحکام نگاشته شده؛ اما خطی است باز و تا حدی در نسبت‌های حروف و کلمات اغراق شده است. و احتمالاً در زمان نگارش اصلی دو کاتب داشته است (ت ۸). البته شیوه خط با شیوه این بواب شباهت دارد و حتی نقطه‌گذاری قرآن هم مشابه نقطه‌گذاری این بواب است (ت ۹). در هر صورت، شیوه‌ای خاص از محقق است که شاید با آثار مشابه در قرن هشتم برابری نکند، اما در بعضی از صفحات شاهکاری یگانه است. صفحات افتاده در مرمت میرزا علی‌رضا تفرشی کامل شده؛ اما خط صفحات الحاقی بسیار ضعیف‌تر از متن اصلی است و ذکری از خطاط آنها نشده است (ت ۱۰).

در هیچ‌یک از مجلدات نامی از کاتب اصلی برده نشده؛ و با توجه به اینکه در میان قراختاییان خوشنویسان بزرگی بوده‌اند، اینکه قرآن به خط یکی از قراختاییان باشد



ایران است. در مجموع، می‌توان گفت که نسخه‌ای ایرانی است.

### ۲-۳. تزیینات

سرسوره‌های قرآن مذهب و مرصع است. بعضی از صفحات نخستین سوره‌ها دارای قاب مذهب و مرصع، مرکب از نقوش اسلیمی، هندسی، گره‌دار، و جدول‌کشیهای بسیار زیباست که نام سوره و تعداد آیات به خط کوفی و در زمینه‌ای طلاپی با دورگیری مشکی در آن آمده است. نقوش زنجیری این صفحات مشابه گره‌بندی مفتولی مرسوم در اروپاست (ت ۱۱).

بعضی دیگر از سوره‌ها در قاب مستطیل از عرض، که با جدول و همچنین نقطه‌های منفرد رنگی و تزیینات نقطه‌چینی بین سطور تزیین شده‌اند، معرفی می‌شود.

اطلاعات مربوط به نام سوره، عدد آیات و ... به خط توقیع و در تقسیمات دایره‌ای و یا بیضی‌شکل نوشته شده است (ت ۱۲). بعضی دیگر از سوره‌ها نیز در مستطیل عرضی و با کادر تزیینی مذهب و نقوش هندسی، با خط کوفی محرز ایرانی، با زمینه کاغذ متن و دورگیری مشکی معرفی می‌شود. در سمت راست این مستطیلها، نقشی تزیینی به رنگ لاجوردی و طلاپی و در جهت عطف کتاب قرار گرفته است (ت ۱۳). در



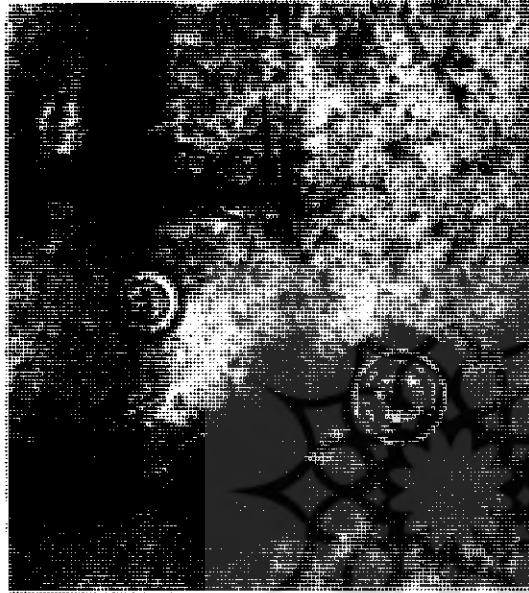
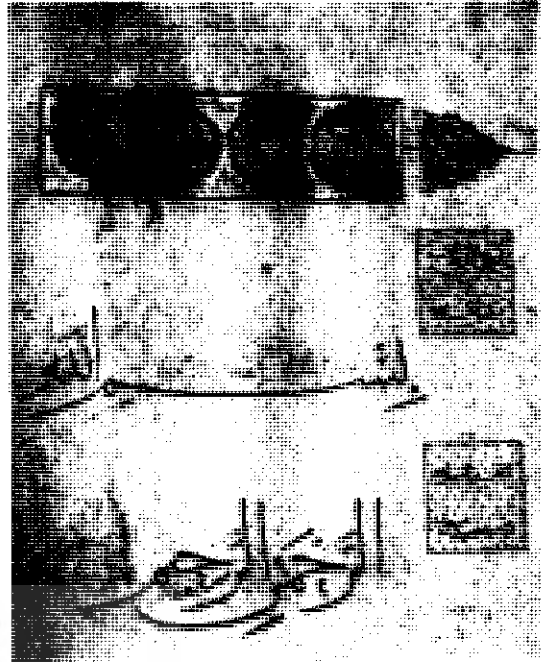
ت ۱۱. (راست)

ت ۱۲. (چپ)

مسجل نیست. اگرچه پادشاه خاتون خود خوشنویس بوده و «مصاحف و کتب که به خط مبارکش در کرمان و دیگر ولایات موجود...»<sup>۲۲</sup> بوده است و «در فن خط نسخ ناسخ خط «ابن مقله»، مصاحف متعدده به جهت سلطان احمدخان بن هلاکوخان و ارغون خان اباقان نوشته»،<sup>۲۳</sup> احتمالاً کاتب این مصحف نبوده؛ زیرا شهرت او در خط نسخ است؛ و همچنین بعید است با توجه به اینکه او هم خود دختر ترکان‌خاتون بوده، قرآن به خط او را خواهرش وقف کرده باشد.

از سوی دیگر، نوع تزیینات و نفاست نسخه حاکی از آن است که نسخه باید در جایی نزدیک به حوزه نفوذ آناتولی تهیه شده باشد؛ چنان‌که در فهرست آثار مجموع خلیلی، یکی از مجلدات همین قرآن نسخه‌ای از شمال غربی ایران معرفی می‌شود.<sup>۲۴</sup> البته نباید از نظر دور داشت که تزیینات و مخصوصاً خط کوفی عناوین سوره‌ها متأثر از نقوش دوره سلجوقی و همچنین کوفی محرز<sup>۲۵</sup> مرسوم در





ت ۱۳. (چپ بالا)  
 ت ۱۴. (راست)  
 ت ۱۵. (چپ پایین)

بیشتر صفحات نخستین سوره‌ها، اطلاعات آماری مفصل مربوط به تعداد کلمات، حروف، آیات، سوره‌های مکی یا مدنی و یا اطلاعاتی مربوط به اختلاف در عدد آیات در حاشیه سمت راست و چپ صفحه در قاب مستطیلی درج شده است. قاب این مستطیلها به رنگ مشکی و سرمه‌ای و متن آنها با حرکات اسلیمی مانند و تزیینات تقطه‌چین به رنگ طلایی و مشکی تزیین شده است. اطلاعات مزبور به خط توقیع (نزدیک به تعلیق) و با طلا و دورگیری مشکی نوشته شده است (ت ۱۴).

از دیگر موارد تزیینی این مصحف شریف می‌توان به علائم قرآنی خاصی اشاره کرد که در سرتاسر متن برای مشخص کردن محل وقف، سجده، پایان آیات، تخمیس (هر پنج آیه)، عشر (هر ده آیه) و جزء و... به صورت شمسه و یا زینتهای گلانی شکل به کار رفته است. معمولاً رقم این علائم را به خط کوفی نوشته‌اند. تزیینات غالب در این شمسه‌ها نقوش هندسی و اسلیمی است (ت ۱۵). همچنین اعراب‌گذاری متن به رنگ طلایی و دورگیری مشکی است و برخی از نشانه‌های ثانوی مانند تشدید، همزه، علامت سکون، و علائم مؤکد بر صداها به رنگ لاجورد نوشته شده است. اعرابها با قلم مشکی دورگیری شده است.

علاوه بر صفحات آغازین، صفحات متعددی از میان سوره‌ها نیز تزیین شده است. این صفحات معمولاً با تزیین مفصل، قابی مذهب و مرصع و حتی پرمایه‌تر از بعضی از سر سوره‌هاست. اکثر این صفحات از نظر خط بسیار ممتاز است و شاید انتخاب آنها هم به همین دلیل باشد. ترکیب سطرها در بعضی از این صفحات متفاوت با شیوه معمول متن است. احتمالاً خوشنویس با عنایت به معانی آیات این‌گونه صفحات متمایز از متن را نوشته است (ت ۱۶).

### ۳-۳- جلد و صحافی نسخه

صحافی همه مجلدات کتاب در سال ۱۲۴۵ق به همت میرزا علی‌رضا تفرشی تجدید شده است. با توجه به نوع نقش و جنس چرم جلد، احتمالاً در مرمت بعضی از مجلدات از بقایای جلد اصلی هم استفاده شده است. نوع جلد چرمی است و نقش بیشتر جلدهای ترمیم‌شده ترنج همراه با دو کلاله است، حاشیه اطراف جلد بعضی از مجلدات که



ت ۱۶

چستریبیتی در دابلین تعلق دارد،<sup>۲۸</sup> است باید تردید کرد، زیرا جزء چهارم از مجلدات مفقود نیست و هم‌اکنون در موزه آستانه موجود است. □

### کتاب‌نامه

افروند، قدیر. گلچینی از قرآنهای خطی موزه دوران اسلامی، تهران، موزه ملی ایران، ۱۳۷۵.

باستانی یاریزی، محمدابراهیم. «مدرسه ترکان سلجوقی و ترکان ختایی در کرمان»، در: مجموعه مقالات کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی، به کوشش محمدرسول دریاگشت، کرمان، مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰.

جیز، دیوید، کارهای استادانه (قرآن‌نویسی تا قرن هشتم ق)، جلد دوم از مجموعه هنر اسلامی گردآوری دکتر ناصر خلیلی، ترجمه پیام بهناش، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.

خیراندیش، عبدالرسول. «اوقاف قراختایان کرمان»، در: مجله میراث جاویدان، سال هشتم، ش ۳۱، ۳۱-۲۵، (۱۳۷۹).

رضایی، عبدالعظیم. نتیجه تاریخ ایران، تهران، اطلس، ۱۳۷۸، ج ۱۱. سمسار، محمدحسن. کاخ گلستان، گزینه‌های از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۷۹.

عکاشه، ثروت. نگارگری اسلامی، ترجمه غلام‌رضا تهامی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۸۰.

فضائل، حبیب‌الله. اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.

فکرت، محمدآصف. خط کوفی، تهران، کیان کتاب، ۱۳۷۷.

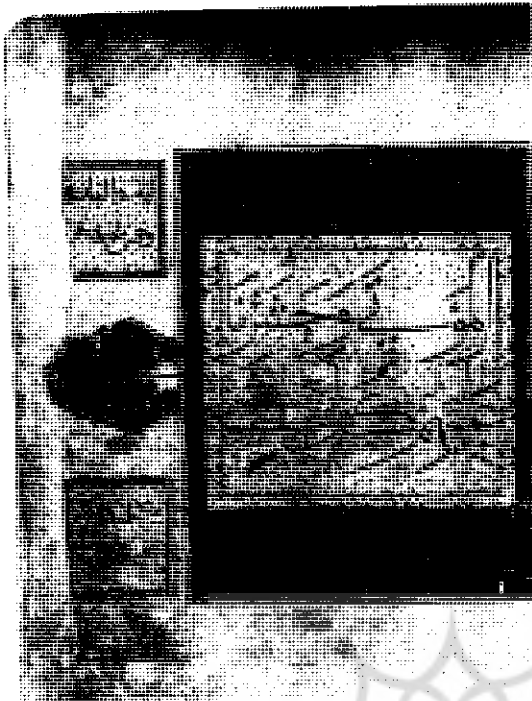


ت ۱۷

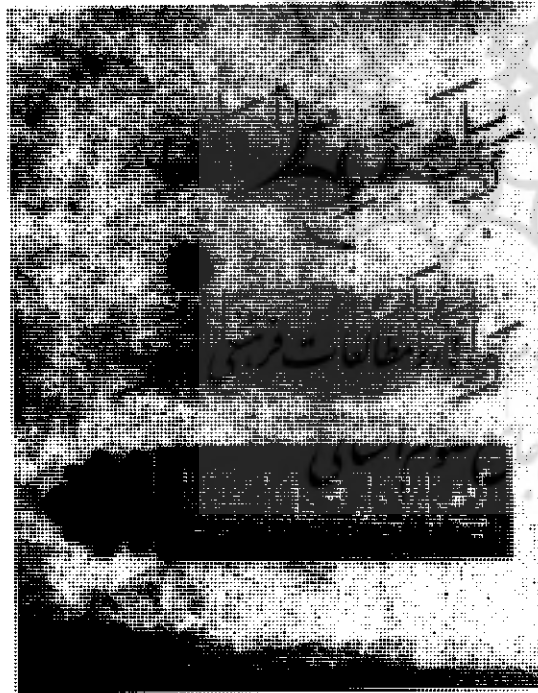
به رنگ قهوه‌ای تیره است، احتمالاً قدیم‌تر است. نقش جلد عبارت است از شمس با حاشیه‌ای پهن در اطراف با نقوش هندسی (ت ۱۷).

### ۴- مجلدات دیگر ربه

از سی جزء ربه، هم‌اکنون هجده مجلد آن در آستانه شاه نعمت‌الله مضبوط است، و باقی مجلدات مفقود. اما در ردیابی مجلدات مفقود که بر اساس اظهارات آقای مجدزاده صها پیش از سال ۱۳۲۰ مفقود شده است،<sup>۲۶</sup> دریافتیم که جزء هشتم از قرآن هم‌اکنون متعلق به مجموعه ناصر خلیلی<sup>۲۷</sup> است. (ت ۱۸، ۱۹، ۲۰) مجلدات دیگری هم از کتاب در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. اما در مورد جزء چهارم از قرآن، که گفته‌اند به کتابخانه



ت ۱۸ و ۱۹ و ۲۰



محمدزاده صهبا، جواد. «سی یاره قدیمی». در: یادگار، سال ۱، ش ۹، ص ۴۵-۲۸.

مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوابی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

ناشناس. تاریخ شاهی، تصحیح محمدابراهیم باستانی یاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

منشی کرمانی، ناصرالدین. سبط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختایان کرمان، تصحیح عباس اقبال، تحت نظر محمد قزوینی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲.

وزیری کرمانی، احمدعلی خان. تاریخ کرمان (سالاریه)، به کوشش ابراهیم باستانی یاریزی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.

وزیری کرمانی، احمدعلی خان. جغرافیای کرمان، به کوشش ابراهیم باستانی یاریزی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.

بار شاطر، احسان، خوشنویسی، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، ترجمه و ویرایش پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.

پی نوشتها

1. a.hasheminejad@mail.uk.ac.ir

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. ربعه به نسخه‌هایی از کتابت قرآن مجید گفته می‌شود که هر جزء قرآن در یک جلد نوشته شود. این اصطلاح از زمانی به کار رفت که در غرب دنیای اسلام نوشتن قرآنهاى چهارجلدى مرسوم شد. این قرآنهاى چهارجلدى به ربعه، قرآنهاى سی‌جلدى و یا به اعتبار نام‌گذاری قرآنهاى چهارجلدى به ربعه، قرآنهاى سی‌جلدى و یا شصت‌جلدى را هم ربعه نامیدند. ربعات الجایتو از معروف‌ترین این‌گونه قرآنهاست. نک: عکاشه، نگارگری اسلامی، ص ۳۶۰.

۳. میرزا علی‌رضا در سنه ۱۲۴۲ق به کرمان آمد و در دستگاه مرحوم شجاع‌السلطنه حکمران راه یافت، در سال ۱۲۴۶ق شغل سررشته‌داری کرمان به او موکول شد و به سفارش قائم مقام مورد حمایت میرزا حسین وزیر بود. او در حکومت فضل‌علی خان میرزای محمدعلی خان پسر او بود و به استیصال روزگار می‌گذرانید. میرزا علی‌رضا در اواخر عمر به عاملی جبرفت رفت و در سال ۱۲۶۳ وفات یافت. نک: وزیر کرمانی، تاریخ کرمان، ص ۷۵.

۴. رضایی، نتیجه تاریخ ایران، ص ۳۲۳.
۵. منشی کرمانی، سمط علمی للحضرة العليا در تاریخ قراختایان کرمان، ص ۲۶.
۶. همان، ص ۲۶.
۷. همان، ص ۲۶.
۸. همان، ص ۲۷.
۹. همان، ص ۲۸.
۱۰. خیراندیش، میراث جاویدان، ص ۲۶.
۱۱. در تاریخ گزیده دوران سلطنت ترکان خاتون در ذیل نام سلطان حجاج (مستوفی، ص ۵۳۱) شرح و توصیف شده است. مستوفی در فصل دهم از باب چهارم در ذکر سلاطین قراختای کرمان می‌نویسد که: «نه تن مدت ملکشان از سنة احدى و عشرين و ستمایه تا سنة ست و سبعمایه، هشتادوشش سال» (مستوفی، ص ۵۲۸). اما از هشت نفر به عنوان سلاطین یاد می‌کند: (۱) براق حاجب، (۲) رکن‌الدین مبارک خواجه، (۳) سلطان قطب‌الدین، (۴) سلطان حجاج، (۵) سلطان جلال‌الدین، (۶) پادشاه خاتون، (۷) سلطان مظفرالدین، (۸) سلطان قطب‌الدین شاه جهان.
۱۲. باستانی یاریزی، «مدرسه ترکان سلجوقی و ترکان ختایی در کرمان»، ص ۵۸.
۱۳. منشی کرمانی، سمط علمی للحضرة العليا در تاریخ قراختایان کرمان، ص ۳۷.
۱۴. وزیر کرمانی، تاریخ کرمان (سلاریه)، ص ۳۶۹.
۱۵. منشی کرمانی، سمط علمی للحضرة العليا در تاریخ قراختایان کرمان، ص ۹۵.
۱۶. مجدزاده صهبا، «سی‌پاره قدیمی»، ص ۳۰.
۱۷. وقف‌نامه مزبور را آقای دکتر ناصر محسنی‌نیا، از استادان بخش ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ترجمه کرده‌اند، که البته این ترجمه به همت بی‌گیری آقای ضیائی، از مؤسسان انجمن قبه سبز و از استادان دانشگاه شهید باهنر، به دست آمده است. همچنین ایشان مشوق اصلی حقیر در تحریر مقاله حاضر بوده‌اند.
۱۸. اقلام سته یا خطوط ششگانه عبارت است از: ثلث، نسخ، محقق، ربیع، توقیع، و رقا، که از زمان ابن مقله بیضاوی (۲۷۲ - ۳۲۸ ق) به وجود آمد و به دست ابن بواب (متوفای ۴۱۳ ق) و همچنین، یاقوت مستعصمی (متوفای ۶۹۶ ق) تکامل یافت. این ۶ خط «سته یاقوتی» و «خطوط اصول» هم نامیده می‌شود.
۱۹. یارشاطر، خوشنویسی، ص ۴۵.
۲۰. جیمز، کارهای استادانه (قرآن‌نویسی تا قرن هشتم ق)، ج ۲، ص ۱۶.
۲۱. سمسار، کاخ گلستان، ص ۲۶.
۲۲. منشی کرمانی، همان، ص ۷۰.
۲۳. وزیر کرمانی، همان، ص ۳۶۱.
۲۴. جیمز، همان، ج ۲، ص ۳۴.
۲۵. فکرت، خط کوفی، ص ۵۹.
۲۶. مجدزاده صهبا، همان، ص ۲۹.
۲۷. ناصر خلیلی، مجموعه‌دار ایرانی (و. ۱۳۲۵ ش) مقیم انگلیس و صاحب یکی از بزرگ‌ترین و جامع‌ترین مجموعه‌ها از دست‌نوشته‌های قرآنی است. او همچنین مجموعه‌ای بی‌نظیر از اشیاء و آثار هنر اسلامی گرد آورده است. دکتر خلیلی در دانشگاه لندن صاحب کرسی هنر و باستان‌شناسی اسلامی و در دانشگاه آکسفورد عضو هیئت تحقیق هنر اسلامی است.
۲۸. جیمز، همان، ج ۲، ص ۳۴.